

ستایش پاک یزدان را سزاوار که از روشنی آفتاب بخشش جهان را روشن نمود...

حضرت بهاء الله

اصلی فارسی



رقم (19) - من آثار حضرت بهاء الله - کتاب اشراقات - صفحه 231
- 237

(19)

بنام گوینده دانا

ستایش پاک یزدان را سزاوار که از روشنی آفتاب بخشش جهان را روشن نمود از با بحر اعظم هویدا و ازها
هویه بخته اوست توانائیکه توانائی مردم روزگار او را از خواست خود باز ندارد و لشکرهای پادشاهان از
گفتارش منع ننماید نامه ات رسید دیدیم و ندایت را شنیدیم در نامه لثالی محبت مکنون و اسرار مودت مخزون از
داور بیهمال میطلبیم ترا تأیید فرماید بر نصرت امرش و توفیق بخشد تا تشنگان دشت نادانیرا بآب زندگانی
برسانی اوست بر هر امری قادر و توانا آنچه از دریای دانائی و خورشید بینائی سؤال نمودی باجابت مقرون
پرستش نخستین نخست پرستش یگای یزدان را بچه زبان و رو بکدام سو بنمائیم شایسته است آغاز گفتار پرستش
پروردگار است و این پس از شناسائیت چشم پاک باید تا بشناسد و زبان پاک باید تا بستاید امروز روهای
اهل دانش و بینش سوی اوست بلکه سویها را جمله رو بر سوی او شیر مرد از خداوند می خواهیم مرد میدان
باشی و بتوانائی یزدان برخیزی و بگوئی ای دستوران گوش از برای شنیدن راز بی نیاز آمده و چشم از برای
دیدار چرا گریزانید دوست یگای پدیدار میگوید آنچه را که رستگاری در انست ای دستوران اگر بوی گلزار



ORIGINAL

دانائی را بیاید جز او نخواهید و دانای یگنا را در جامه تازه بشناسید و از گیتی و گیتی خواهان چشم بردارید و بیاری برخیزید پرسش دوم در کیش و آیین بوده امروز کیش یزدان پدیدار جهاندار آمد و راه نمود کیشش نیکوکاری و آیینش بردباری این کیش زندگی پاینده بخشد و این آیین مردمان را بجهان بی نیازی رساند این کیش و آیین دارای کیشها و آیینهاست بگیریید و بدارید پرسش سوم با مردم روزگار که جدا جدا کیشی گرفته‌اند و هر یک کیش و آیین خویشرا پیشتر و بهتر از دیگری دانند چگونه رفتار نمائیم که از دست و زبان ایشان در رنج و آزار نباشیم ای شیرمردمان رنج را در راه حضرت یزدان راحت دان هر دردی در راه او درمانیست بزرگ و هر تلخی شیرین و هر پستی بلند اگر مردمان بیابند و بدانند جان رایگان در راه این رنج دهند این رنج مفتاح گنج است اگر در ظاهر منکر است در باطن پسندیده بوده و هست گفتار ترا پذیرفتیم و تصدیق نمودیم چه که مردمان روزگار از روشنائی آفتاب داد محرومند داد را دشمن میدارند اگر بی رنجی طلبی این بیان که از قلم رحمن جاری شده قرائت نما

الهی الهی اشهد بفردانیتک و وحدانیتک اسئلک یا مالک الاسماء و فاطر السماء بنفوذ کلمتک العلیا و اقتدار قلبک الاعلی ان تنصرنی برایات قدرتک و قوتک و تحفظنی من شر اعدائک الذین نقضوا عهدک و میثاقک انک انت المقتدر القدیر

این ذکر حصنی است متین و لشکری است مبین حفظ نماید و نجات بخشد پرسش چهارم در نامه‌های ما مرده داده‌اند شاه بهرام با نشانهای زیاد از برای رهنمائی مردمان میآید الی آخر بیانہ ایدوست آنچه در نامه مرده داده‌اند ظاهر و هویدا گشت نشانها از هر شطری نمودار امروز یزدان ندا مینماید و کل را بمینوی اعظم بشارت میدهد گیتی بانوار ظهورش منور و لکن چشم کیاب از یگنا خداوند بیمانند بخواه بندگان خود را بینائی بخشد بینائی سبب دانائی و علت نجات بوده و هست دانائی خرد از بینائی بصر است اگر مردمان بچشم خود بنگرند امروز جهان را بروشنائی تازه روشن بینند بگو خورشید دانائی هویدا و آفتاب بینش پدیدار بختیار آنکه رسید و دید و شناخت پرسش پنجم از پل صراط و بهشت و دوزخ بوده پمبران براسستی آمده‌اند و راست گفته‌اند آنچه را پیک یزدان خبر داده پدیدار شده و میشود عالم بجازات و مکافات بر پا بهشت و دوزخ خرد و دانائی تصدیق نموده و مینماید چه که وجود این دو از برای آن دو لازم در مقام اول و رتبه‌اولی بهشت رضای حقست هر نفسی برضای او فائز شد او از اهل جنت علیا مذکور و محسوب و بعد از عروج روح فائز میشود بآنچه که آمه و خامه از ذکرش عاجز است صراط و میزان و همچنین جنت و نار و آنچه در کتب الهی مذکور و مسطور است نزد اصحاب بصر و مردمان منظر اکبر معلوم و مشهود است حین ظهور و بروز انوار خورشید معانی کل در یکمقام واقف و حق نطق میفرماید بآنچه اراده میفرماید هر یک از مردمان که بشنیدن آن فائز شد و قبول نمود او از اهل جنت مذکور و همچنین از صراط و میزان و آنچه در روز رستخیز ذکر نموده‌اند گذشته و رسیده و یوم ظهور یوم رستخیز اکبر است امید هست که آنجناب از رحیق وحی الهی و سلسبیل عنایت ربانی بمقام مکاشفه و شهود فائز شوند و آنچه ذکر نموده‌اند ظاهرا و باطنا مشاهده نمایند پرسش ششم پس از هشتن تن که

روان از تن جدا شده بآن سرا شتابد الی آخر در این مقام چندی قبل از خامه دانش ظاهر شد آنچه که بینایان را کفایت نماید و اهل دانش را فرح اکبر بخشد برستی میگوئیم روان از کردار پسندیده خشنود میشود و داد و دهش در راه خدا باو میرسد پرسش هفتم از نام و نژاد و نیاکان پاک نهاد بوده ابو الفضل گلپایگانی علیه بهائی در این باب از نامهای آسمانی نوشته آنچه که آگاهی بخشد و بر بینائی بیفزاید آیین یزدان با قوت و نیرو بوده و هست زود است آنچه از زبان گفته شد در ظاهر دیده شود از خداوند میخواهیم ترا بر یاری نیرو بخشد اوست دانا و توانا اگر انجناب سوره رئیس و سوره ملوک را بیابد و بخواند از آنچه سؤال نموده بینیاز گردد و بخدمت امر الهی قیام نماید قیامیکه ظلم عالم و قوت امم او را از نصرت مالک قدم منع نکند از حق میطلبیم شما را تأیید فرماید بر آنچه سبب بلندی و بقای نام است جهد نمائید شاید بسور مذکور هم برسید و از لثالی حکمت و بیان که از خزینه قلم رحمن ظاهر شده قسمت برید و نصیب بر دارید البهء علیک و علی کل ثابت مستقیم و راسخ

امین